

● جلسه ی نوزدهم : گروه های معارض

✓ آیات این جلسه: آیات ۱۱۳ و ۱۱۲ سوره انعام / آیات ۳۴ و ۳۵ سوره سبأ / آیه ۳۴ سوره توبه

نبوت یک رستاخیز اجتماعی است. یکی از اصول این رستاخیز، نفی طبقات اجتماعی، یعنی طبقه ی محروم و ستمدیده و طبقه مرفه و زورگو در جامعه وجود نداشته باشد. اجتماعی که یک انسان معمولی و ضعیفی در رأس یک قدرتی در اجتماع در یک پستی از پستیهای سیاسی و اجتماعی وجود نداشته باشد. اجتماعی رستگار و پیروزمند نیست. جامعه ای که یک انسان معمولی نمی تواند حق خود را بدون لکنت زبان بگیرد، این اجتماع موفق نیست.

جامعه اسلامی جامعه ای است که :

- هیچ گونه تفاوت و تمایزی در جامعه نباشد،
- حاکمان اسلامی همان قدر حق دارند که یکی از آحاد رعیت آن حق را دارد .
- در آن زور و جمع ثروت در کنار محرومیت ها نباشد.
- همه از حقوق ضعفا و محرومان و ستمدیدگان دفاع کنند و کسی حق ندارد بگوید مصالح من و دیگر بس.
- در این جامعه تفرقه و اختلاف و تعبد کورکورانه وجود ندارد.

نظام خداخواسته خدا ساخته پیغمبر ساخته، این جور نظامی ست. در آن زور نیست، قدری نیست، استثمار نیست، استبداد نیست، حکومت مطلقه یک انسان یا جمعی انسان، بر انسان های دیگر نیست. در یک چنین جامعه ای که باید انسا نها بدین شکل مجتمع بشوند، جهل نیست، ناآگاهی نیست، خرافه پرستی نیست. در این اجتماع مردم مجبورند، ملزمند همه فکر کنند. لازم است همه راه خودشان را پیدا کنند؛ وقتی پیدا کردند، لازم است آن راه را بیمایند.

چه کسانی با جامعه اسلامی مبارزه می کنند؟

- اولین گروه کسانی که از اختلاف طبقاتی زنده هستند.
- دومین گروه ثروت اندوزانند.
- سومین گروه حکام مستبد.
- چهارمین گروه احبار و رهبانیون هستند، آن کسانی که با مغزهای مردم سروکار دارند برای حفظ موقعیت اجتماعی شان مردم را در نا آگاهی نگه می دارند.

در قرآن چهار طبقه معارض با دعوت انبیاء به نام های ملأ، مترف، طاغوت و احبار و رهبان خوانده شده است.

● جلسه ی بیستم : فرجام نبوت (۱)

✓ آیات این جلسه : سوره اعراف آیات ۱۲۷ و ۱۲۸ / سوره رعد آیات ۱۶ تا ۱۸ / سوره صافات آیه ۱۷۳

پیامبران با هدف یک طبقه کردن و برابر کردن انسانها و بر افکندن جهل و فقر و ظلم و استثمار و اختلاف طبقاتی مبعوث شدند. زندگی رسولان الهی چنین بود: راحت نخوابیدن و آسودگی نداشتن، یکسره جهاد کردن و در آخر در مقابل جباران سرشان از پیکر جدا شده و یا در غربت و ناراحتی از دنیا رفتن و ثروتهای انبوه از خود به جا گذاشتن.

انبیاء با بعثتشان بشر را از حضیض - یعنی پستی - و توحش و نادانی آوردند در حد یک انسان متمدن که اگر بخواهد بر طبق تعلیمات آنها عمل بکند، عالی ترین و زیباترین جلوه‌های خلقت در زندگی او بروز خواهد کرد.

امام عصر عجل الله تعالی فرجه زمانی که بشریت به آمادگی شنیدن و پذیرفتن سخن حق برسد و آماده پیاده شدن قرآن را داشته باشد، ظهور خواهند کرد.

جباران در مورد فرجام نبوت ها می گویند: انبیای الهی و سفیران حق و حقیقت، همیشه محکوم به شکست بوده اند و از خدا می خواهند مردم تصور کنند که هیچ گاه نغمه حق پرستانه در مقابل طبیعت این عالم جواب مساعد و مثبت نخواهد داد.

نظر قرآن در مورد فرجام نبوتها :

طبق آیه ۱۳۹ سوره مبارکه آل عمران، ولا تهنوا و لا تحزنوا وانتم الاعلون ان کنتم مومنین ای مسلمانان سست نشوید، اندوهگین نشوید، شما بالاترید، شما بر دشمن غلبه خواهید کرد، اگر مومن باشید، اگر ایمان داشته باشید.

دو شرط اصلی موفقیت اسلام و قرآن و دین : شرط اول «ایمان» است، اعتقادی از روی آگاهی است، باوری است همراه با تعهد پذیری شرط دوم «صبر» است، یعنی مقاومت، از میدان در نرفتن، کار را در لحظه حساس و خطرناک رها نکرد. «ان تصبروا و اتقوا» اگر تقوا در ایمان همراه با عمل و صبر وجود داشت، آن وقت است که پیروزی می آید و این یکی از سنت های عالم است، سنت پروردگار.

علت شکست و پیروزی انبیاء در طول تاریخ نبوت ها : هر جا پیغمبری از طاغوت زمان شکست خورده به خاطر این بوده که پیروانش و اطرافیانش، ایمان یا صبر کافی نداشتند. هر جا پیغمبری به حق پیش برده است برای خاطر این است که ایمان سرشار و صبر لازم را دارا بودند.

از نظر قرآن فرجام کسانی که نهضت انبیاء را اجابت کنند طبق آیه ۱۸ سوره رعد :  
لذین استجابوا لرهبهم الحسنی برای آن کسانی که اجابت کنند پروردگارشان را، نیکوترین عاقبت ها و پاداش هاست.

از نظر قرآن فرجام کسانی که نهضت انبیاء را اجابت نکنند : طبق آیه ۱۸ سوره رعد  
اولئک لهم سوء الحساب و برای ایشان حسابی ناخوش آیند است. و ماؤهم جهنم و بئس المهاد پناهگاه آنان دورخ است و چه بد جایگاهی است.

صبر در حال مبارزه یعنی از مبارزه سست نشدن، یعنی تلاش را تمام کردن، نصفه نگذاشتن، این معنی صبر است.

● **جلسه ی بیست و یکم : فرجام نبوت ها (۲)**

✓ **آیات این جلسه : آیات ۵۱ تا ۵۵ سوره مؤمن / آیات ۷ تا ۱۸ انبیاء**

آن چه در مورد پیروزی انبیاء می توان بیان کرد، دو مطلب است:

- ۱- مجموعاً این معلمین بشر موفق و کامیاب شدند. حتی پیامبرانی هم که کشته شدند (زکریا و یحیا و ...) شکست نخوردند. زیرا آن ها این مصائب و بلاها را تحمل کردند تا بار امانت را پیش بردند و به سرمنزل مقصود نزدیک کردند.
- ۲- توانستند جامعه ای بر اساس فکر توحیدی و مکتب پیشنهادی خود به وجود بیاورند. (تشکیل نظام و جامعه الهی و توحیدی) مانند :

- حکومت پیامبر اسلام (ص) در مدینه
- حکومت الهی حضرت سلیمان (ع) در سراسر دنیا
- تشکیل جامعه فاضله بنی اسرائیل بعد از رحلت حضرت موسی (ع)
- ایمان آوردن امپراطوری رم بعد از رفتن حضرت عیسی (ع)
- تشکیل جامعه الهی توسط ابراهیم (ع) در زمان خودش

وعده خداوند به پیامبران و همه دعوت کنندگان به سوی دین و حق و حقیقت، طبق آیه ۵۱ سوره غافر:  
 انا لننصر رسلنا و الذین آمنوا فی الحیاء الدنیا و یوم یقوم الاشهاد  
 در این دنیا بر دشمنان پیروز می شوند و در آخرت اجر و پاداش به آنها داده خواهد شد.

در زمان پیامبر پیشرفت در امور دینی داشتیم ولی در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام کارها متوقف ماند.  
 حضرت علی علیه السلام علت را اینگونه توضیح می دهند:

چون ما در زمان پیامبر صبر کردیم، در میدان های جنگ بر سوزش درد صبر کردیم، آن روز حاضر شدیم از منافع مادی و کسب و کارمان بر ای خدا بگذریم، اما امروز شما حاضر نیستید، آن روز پیش رفتیم، امروز عقب می مانیم.

فرجام نبوت پیغمبران الهی فتح و فرجام ابدی با آنهاست، به شرط ایمان و صبر، به شرط اینکه پیروانشان ایمان واقعی بیاورند و در میدان های مبارزه و جهاد صبر کنند.

#### ● جلسه بیست و دوم : تعهد ایمان به نبوت

✓ آیات این جلسه : آیات ۷۲ تا ۷۴ سوره انفال / آیه ۸۱ سوره آل عمران

شهادت به نبوت و رسالت پیامبر اکرم در اذان تعهدی بر دوش ما می گذارد: مسئولیتی که انسان معتقد به نبوت نبی بر دوش می گیرد، عبارت است از دنباله گیری از راه نبی و قبول مسئولیت به منزل رساندن بار نبی.

موقعی می توان به شخصی گفت که او مومن است که به تعهدات و مسئولیت هایی که ایمان به نبوت برای انسان می آورد، پایبند باشد.

تعهد رسالت یعنی ساختن یک دنیایی به شکلی که اسلام گفته است. پیغمبران مبعوث شدند که نظام زندگی انسانها را به صورتی که خدا می گوید، درست کند.

پیامبران در میان اجتماعات، اختلاف و دوئیت ایجاد می کنند؛ پیامبران در میان جامعه ای که یکپارچه گمراه بود، می آیند و می گویند برگردید به طرف خدا، بین آن یکپارچه های کافر اختلاف می افتد، بعضی بر می گردند، بعضی بر نمی گردند. پس یک جبهه جدیدی، یک صف بندی جدیدی، یک موضع گیری متقابل جدیدی با آمدن پیغمبر در جامعه به وجود می آید به نام دین.

طبق روایت : آن کسی که در مقابل وضع باطل ساکت است، برادر آن کسی است که به آن وضع راضی است. هر که با ما نیست، بر ماست. بین این دو صف، جایی را اسلام فرض نکرده. اگر با حق نبودی، با باطلی. با باطل بودن به این معنا نیست که حتما با حق بجنگی، بلکه حتی آن صورتی که برای حق نجنگی هم داخل است در مفهوم با باطل بودن.